



The Role of Hazrat Khadija _peace be upon her_ in Facing Crises; A Model for Contemporary Muslim Women

Sedigheh Tahmasebi Nezhad

Level 4 graduate Al-Zahra Specialized Seminary _peace be upon her_ ,
Ahvaz , Iran

E-mail: thmasbysdyqh9@gmail.com

Abstract

This study aims to analyze the behavioral model of Lady Khadijah (peace be upon her) in confronting the crises of early Islam, focusing on three key components: insight, situational awareness, and fulfillment of divine duty. The research examines the consistency of her conduct with the concepts of resilience in psychological and religious approaches while highlighting her pivotal role in strengthening the foundations of the early Islamic community. Using a qualitative approach, the study applies content analysis to historical documents and authoritative biographical sources to investigate the individual, familial, and social dimensions of her conduct. The findings reveal that her profound insight, accurate understanding of circumstances, and steadfast commitment to divine duty enabled her to effectively support the Prophet Muhammad (peace be upon him and his family), overcome the challenges of Islam's formative period, and promote both individual and social resilience. The study concludes that Lady Khadijah's life offers a comprehensive model for contemporary Muslim women, fostering spiritual growth, social responsibility, and resilience in the face of personal and societal challenges.

Keywords: Khadijah (peace be upon her), Crisis, Behavioral Model, Muslim Woman, Resilience



دور السيدة خديجة عليها السلام في مواجهة الأزمات: نموذج للمرأة المسلمة المعاصرة

صديقة طهماسبى نجاد

خريج المستوى الرابع الحوزة الزهراء التخصصية عليها السلام، اهواز، ايران

thmasbysdyqh9@gmail.com

الملخص

تهدف هذه الدراسة إلى التحليل المنهجي للنموذج السلوكي للسيدة خديجة الكبرى عليها السلام في مواجهة الأزمات التي صاحبت بدايات الدعوة الإسلامية، وبيان دور ثلاثة مرتكزات أساسية في سيرتها، وهي: البصيرة، وإدراك الموقف، وأداء التكليف الإلهي. وتتمثل مشكلة البحث في تقويم مدى توافق هذه السيرة مع مفاهيم الصمود في المقاربتين النفسية والدينية، مع إبراز الدور المحوري الذي اضطلعت به السيدة خديجة (عليها السلام) في ترسيخ دعائم الدعوة الإسلامية وتثبيت بنیان المجتمع الإسلامي الناشئ. اعتمدت الدراسة المنهج الكيفي، واستندت إلى تحليل محتوى المصادر التاريخية المعتبرة وكتب السيرة، للكشف عن الأبعاد الفردية والأسرية والاجتماعية لشخصيتها وسلوكها في ضوء المحاور المدروسة. وأظهرت النتائج أن ما اتسمت به من عمق البصيرة، وحسن تشخيص الواقع، والثبات على أداء التكليف الإلهي، أسهم بصورة فاعلة في دعم النبي الأكرم محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)، وإدارة أزمات المرحلة التأسيسية للإسلام، وتعزيز الصمود على المستويين الفردي والاجتماعي. وتخلص الدراسة إلى أن سيرة السيدة خديجة عليها السلام تمثل نموذجاً حضارياً متكاملًا للمرأة المسلمة المعاصرة، يمكن الاستفادة منه في مواجهة التحديات، وترسيخ المسؤولية الاجتماعية، وتحقيق الارتقاء الروحي، وتعزيز القدرة على الصمود أمام الأزمات المختلفة.

الكلمات المفتاحية: السيدة خديجة عليها السلام، الأزمات، النموذج السلوكي، المرأة المسلمة، الصمود

نقش حضرت خدیجه علیها السلام در مواجهه با بحران‌ها؛ الگوی زن مسلمان معاصر

صدیقه طهماسبی نژاد

دانش آموخته سطح ۴ مدرسه علمیه تخصصی الزهرا علیها السلام، اهواز، ایران
thmasbysdyqh9@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین الگوی رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام در مواجهه با بحران‌های صدر اسلام و استخراج درس‌هایی کاربردی برای زنان مسلمان معاصر انجام شد. سؤال اصلی مقاله این بود که آیا رفتار ایشان با معیارهای «بصیرت»، «موقعیت‌شناسی» و «انجام تکلیف الهی» - که از سوی مقام معظم رهبری به عنوان شاخص‌های زن مسلمان بیان شده - مطابقت دارد و الگویی عملی ارائه می‌دهد. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و با تحلیل محتوای کیفی منابع تاریخی و روایی معتبر بود. یافته‌ها نشان داد که مواجهه حضرت خدیجه علیها السلام با بحران‌هایی همچون طردشدگی اجتماعی از سوی زنان قریش، فقدان فرزندان و آزار مشرکان، منطبق بر چارچوب نظری پژوهش است. ایشان با بصیرت عمیق دینی، بحران‌ها را به فرصت‌های رشد معنوی تبدیل کردند؛ با موقعیت‌شناسی دقیق، بهترین تصمیم‌ها را اتخاذ نمودند و با محوریت انجام تکلیف الهی، پایدارترین کنش‌ها را از خود نشان دادند. این نشان نمونه‌ای عینی از «تاب‌آوری دینی» را ترسیم می‌کند که به معنای مقاومت، تعالی و رشد در دل بحران است. نتیجه آنکه سیره حضرت خدیجه علیها السلام می‌تواند به عنوان الگویی جامع برای مدیریت چالش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان مسلمان در عصر حاضر باشد. این پژوهش محدود به تحلیل ابعاد فردی و کنش‌های ایشان است بررسی شبکه‌ای دیگر زنان صدر اسلام را به مطالعات آینده می‌سپارد.

واژه‌های کلیدی: حضرت خدیجه علیها السلام، بحران، الگوی رفتاری، زن مسلمان، تاب‌آوری

مقدمه

بحران‌ها همواره آزمونی برای سنجش میزان پایداری، بصیرت و مسئولیت‌پذیری افراد بوده‌اند. زنان، در مواجهه با بحران‌ها می‌توانند نقش‌آفرینی مؤثری در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی داشته باشند. در جهان معاصر، زنان مسلمان با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند که نیازمند الگوهایی الهام‌بخش و ریشه‌دار در فرهنگ اسلامی‌اند تا بتوانند در مسیر تعالی فردی و اجتماعی گام بردارند. یکی از راه‌های دستیابی به چنین الگوهایی، بازخوانی تاریخ صدر اسلام و بررسی رفتار زنان برجسته‌ای است که در مواجهه با بحران‌ها، منش و عملکردی خردمندانه و الهی داشته‌اند. حضرت خدیجه علیها السلام نخستین بانوی مسلمان و همسر گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از جمله زنان والامقامی است که رفتار ایشان در شرایط بحرانی، می‌تواند الگویی عملی و مؤثر برای زنان مسلمان معاصر باشد.

اهمیت این پژوهش از آن‌روست که با تحلیل رفتار حضرت خدیجه علیها السلام در مواجهه با بحران‌های مختلف، می‌توان الگویی کاربردی برای زنان امروز ارائه داد؛ الگویی که نه تنها در سطح فردی و خانوادگی، بلکه در عرصه‌های اجتماعی نیز قابل بهره‌برداری است. مقام معظم رهبری در بیانات خود، سه ویژگی برجسته را برای زنان صدر اسلام برمی‌شمارد که می‌تواند معیار سنجش الگوهای رفتاری زنان مسلمان باشد: بصیرت، موقعیت‌شناسی و انجام تکلیف الهی. (کربلایی،

۱۳۹۶، ص ۱۲۴)

هدف این مقاله، تحلیل و تطبیق رفتار حضرت خدیجه علیها السلام در مواجهه با بحران‌ها با سه معیار مذکور در سه حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی است تا نشان دهد که ایشان چگونه با بصیرت، شناخت موقعیت و انجام تکلیف الهی، در شرایط دشوار ایفای نقش کرده‌اند و این رفتارها چگونه می‌تواند الگویی برای زنان مسلمان در جهان امروز باشد.

سؤال اصلی پژوهش این است: آیا رفتار حضرت خدیجه علیها السلام در مواجهه با بحران‌ها، با معیارهای بصیرت، موقعیت‌شناسی و انجام تکلیف الهی تطابق دارد و می‌تواند الگویی برای زن مسلمان معاصر باشد؟

پیشینه پژوهش

شخصیت‌های بزرگ تاریخ همواره مورد توجه جامعه بشری بوده‌اند و زندگی، رفتار و سخنان آنان در منابع مختلف ثبت و نقل شده است. در این میان، حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان یکی از برجسته‌ترین زنان تاریخ، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری و دگرگونی مسیر رویدادهای جهانی ایفا کرده‌اند. ایشان نخستین بانوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بودند و همین جایگاه سبب شده است که سیره‌نویسان و تاریخ‌نگاران در کنار نگارش زندگی پیامبر، به شخصیت و سیره همسر بزرگوار ایشان نیز توجه ویژه داشته باشند.

منابع کهن اسلامی، گزارش‌های تاریخی و روایی متعددی درباره حضرت



خدیجه ارائه کرده‌اند. از جمله این آثار می‌توان به سیره ابن اسحاق و سیره النبویه ابن هشام، تاریخ الامم والملوک طبری، طبقات الکبری ابن سعد، دلائل النبوه بیهقی، تاریخ یعقوبی، الاستیعاب ابن عبد البر، کشف الغمه فی معرفه الامه اربلی و بحار الانوار علامه مجلسی اشاره کرد.

در زمان معاصر نیز پژوهش‌های متعددی درباره شخصیت و سیره حضرت خدیجه علیها السلام نگاشته شده است که هریک از زاویه‌ای خاص به ابعاد وجودی ایشان پرداخته‌اند. در اینجا به تازه‌ترین مقالات اشاره می‌شود:

- حسینی، سید جواد (۱۴۰۳)، وصایای ام‌المومنین حضرت خدیجه علیها السلام در این مقاله به طهارت حضرت خدیجه و دوری ایشان از آلودگی‌های دوران جاهلیت پرداخته شده است. همچنین پس از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، بخشش همه اموال ایشان در راه اهداف اسلام بررسی شده و درباره وفات و کفن این بانوی بزرگوار مطالبی ارائه گردیده است.

- رضایی هفتادر، حسن، راجی، مرضیه؛ شهیدی، روح‌الله؛ (۱۴۰۲)، بررسی شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام از دیدگاه مستشرقین. این نوشتار شخصیت متعالی حضرت خدیجه را تحلیل کرده و اثبات می‌کند که ایشان پیش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ازدواجی نداشته و سن بالایی نیز نداشته‌اند. همچنین بیان می‌شود که حضرت خدیجه متکفل فرزندان خواهرش «هاله» بوده و ثروت ایشان حاصل تلاش شخصی بوده است نه میراث همسران قبلی.

- ادیب، محسن (۱۴۰۳)، زنان برگزیده و مراتب کمالی آنها. در این مقاله

شخصیت چهار بانوی برگزیده (فاطمه، خدیجه، مریم و آسیه) با استناد به آیه ۴۲ سوره آل عمران و برداشت‌های مفسران شیعه و اهل سنت بررسی شده است. نویسنده نشان می‌دهد که زنان مؤمن با بهره‌گیری از آموزه‌های تاریخی و حدیثی همسوبا معرفی‌های قرآن می‌توانند بر مشکلات غلبه کرده و صفات الهی را جایگزین ویژگی‌های ژنتیکی و محیطی نمایند.

- جنتی‌نیا، محمد هادی (۱۴۰۱)، فضائل ام‌المومنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام در آینه قرآن کریم. این مقاله براساس آیه ۱۳۲ سوره طه (وَأُمِّرَ أَهْلُكَ بِالصَّلَاةِ) و آیات آغازین سوره مدثر، فضائل نخستین بانوی مسلمان و همسر پیامبر را بیان کرده است.

- آقایی‌میبیدی، محمد مهدی (۱۴۰۰)، زندگی و سیره حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان الگوی سبک زندگی دینی. در این نوشتار مروری بر زندگی حضرت خدیجه صورت گرفته و منزلت ایشان نزد پیامبر بیان شده است. همچنین نکات عبادی زندگی ایشان بررسی گردیده و به صبر این بانوی بزرگوار در برابر مشکلات اشاره شده است.

این پژوهش‌ها بیشتر بر جنبه‌های تاریخی و فضائل فردی حضرت خدیجه علیها السلام تمرکز دارند و کمتر به تطبیق رفتار ایشان با معیارهای الگوی رفتاری زنان مسلمان معاصر پرداخته‌اند. از این رو، پژوهش حاضر در پی آن است که رفتارهای حضرت خدیجه علیها السلام را با معیارهای الگوی رفتاری زن مسلمان امروز تطبیق دهد و جایگاه ایشان را به عنوان الگویی عملی در مواجهه با بحران‌ها برجسته سازد.

مفهوم‌شناسی

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود و تا زمانی که ایشان در قید حیات بودند، پیامبر همسر دیگری اختیار نکردند. (خرگوشی، ۱۳۶۱، ص ۲۰۱) او بانویی خردمند، دوراندیش و شریف معرفی شده است که خداوند خواست او را گرامی بدارد. (بیهقی، ۱۳۶۱، ص ۲۱۵) نخستین زن مسلمان بود که همراه پیامبر نماز گزارد. (مسعودی، ۱۳۶۲، ص ۲۰۹) در روایات خدیجه را وزیر و یاور پیامبر یاد کرده‌اند؛ هرگاه مردم از ایشان دوری می‌کردند، او مونس پیامبر می‌شد و با حسن معاشرت و ملاطفت، ایشان را از رنج‌ها بیرون می‌آورد. (مجلسی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۹)

بحران در لغت به معنای شدیدترین و ناراحت‌کننده‌ترین وضع بیمار در حالت تب است و در معنای عام، شدیدترین مرحله ناگواری در یک پدیده یا جامعه که موجب دگرگونی می‌شود. (دهخدا، ۱۳۹۰، ص ۳۶۳؛ نفیسی، ۱۳۸۸، ص ۵۳۸)

بصیرت در فرهنگ معارف اسلامی به عنوان نیرویی معرفی شده است که انسان را از حیرت رها ساخته و به طریق صواب هدایت می‌کند. (سجادی، ۱۳۷۳، ص ۴۳۱) در فرهنگ‌نامه معاصر، بصیرت به معنای بینش و هوشیاری آمده است. (غفرانی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۶) در لغت‌نامه دهخدا نیز بصیرت در اصطلاح عرفا، قوه‌ای تعریف شده است که قلب را به نور قدس منور می‌سازد و به وسیله آن حقایق و امور پنهانی اشیا دیده می‌شود. (دهخدا، ۱۳۸۸، ص ۴۸۵۴)

در بیانات مقام معظم رهبری در تعریف زن مسلمان آمده: زنی است که راه را درست می‌رود؛ هدف را درست تشخیص می‌دهد و در این راه حاضر به فداکاری است و چنین زنی عظمت می‌آفریند. (کربلایی، ۱۳۹۶، ص ۶۷).

چارچوب نظری

تاب‌آوری در ادبیات علمی به عنوان توانایی عبور از دشواری‌ها و غلبه بر شرایط سخت زندگی تعریف شده است. (محدث اردبیلی و سلطان‌زاده، ۱۳۹۹، ص ۳۵۵) این مفهوم در سال‌های اخیر از بازگشت به سطح کارکرد اولیه، به سمت تداوم در فقدان آشفتگی و نهایتاً بازسازی مثبت شرایط تجربه شده تکامل یافته است. (همان، ص ۳۵۶) در دیدگاه دینی، تاب‌آوری نه تنها بازگشت به شرایط اولیه پس از بحران است، بلکه استفاده بهینه از موقعیت‌های دشوار برای رشد و تعالی معنوی تلقی می‌شود. (داداشی، لزگی و خطیب، ۱۴۰۳، ص ۲۹)

در این مقاله، چارچوب نظری براساس تلفیقی از مفهوم تاب‌آوری که در روانشناسی متداول است و همچنین مفهوم تاب‌آوری دینی و تطبیق آن با رفتار حضرت خدیجه علیها السلام در مواجهه با بحران‌ها طراحی می‌شود. این چارچوب با سه معیار کلیدی که رهبرانقلاب برای الگوبودن زنان صدر اسلام بیان کرده‌اند؛ یعنی بصیرت، موقعیت‌شناسی و انجام تکلیف الهی، پیوند می‌خورد.



ابعاد چارچوب نظری

۱. بصیرت

- پژوهشگران تاب‌آوری را فرایندی می‌دانند که به «آگاهی قوی و محکم» منجر می‌شود. (محدث اردبیلی و سلطان‌زاده، ۱۳۹۹، ص ۳۵۵)
- حضرت خدیجه با بصیرت دینی و شناخت عمیق از رسالت پیامبر، توانست فشارهای قریش را به فرصت رشد معنوی تبدیل کند.
- این بصیرت همانند بعد «آگاهی» در مفهوم تاب‌آوری است که زمینه‌ساز مقاومت و پایداری می‌شود. (داداشی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۳۲)

۲. موقعیت‌شناسی

- تاب‌آوری به معنای سازگاری مثبت با شرایط نامناسب دانسته شده است. (محدث اردبیلی و سلطان‌زاده، ۱۳۹۹، ص ۳۵۷).
- حضرت خدیجه با موقعیت‌شناسی دقیق، در شرایط فشار اجتماعی و تهدیدهای بیرونی، بهترین تصمیم‌ها را اتخاذ کرد؛ از جمله حمایت معنوی و روانی از پیامبر در آغاز بعثت.
- این بعد با مؤلفه‌های «انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی» در مدل تاب‌آوری دینی هم‌پوشانی دارد. (داداشی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۳۵)

۳. انجام تکلیف الهی

- در دیدگاه دینی، تاب‌آوری نه تنها بازگشت به شرایط اولیه بلکه رشد دادن

وضعیت موجود و انجام وظیفه الهی در دل بحران‌هاست. (داداشی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۳۸)

- حضرت خدیجه با انجام تکلیف الهی، یعنی ایمان و حمایت بی‌قید و شرط از پیامبر، نشان داد تاب‌آوری دینی به معنای تبدیل بحران به فرصت تعالی معنوی است.

- این معیار با بخش «خداشناختی و هستی‌شناختی» در مدل تاب‌آوری دینی تطابق دارد. (داداشی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۴۰)

مدل مفهومی

- درون‌داد: بحران‌ها و ناملازمات اجتماعی صدر اسلام (فشار زنان قریش، فقدان فرزندان، تهدیدها و آزار مشرکین نسبت به پیامبر).

- فرایند تاب‌آوری:

- بصیرت → شناخت درست بحران و حقیقت رسالت.

- موقعیت‌شناسی → تصمیم‌گیری هوشمندانه در شرایط دشوار.

- انجام تکلیف الهی → عمل بر اساس ایمان و وظیفه دینی.

- پیامدها: آرامش، رضایت معنوی، رشد دینی، الگوسازی برای زنان معاصر.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و با اتکا بر تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. هدف آن تبیین شیوه‌های مواجهه حضرت خدیجه با



بحران‌ها و استخراج الگوی قابل استفاده برای زن مسلمان معاصر است. جامعه، نمونه و منابع داده‌ها: منابع پژوهش شامل روایات تاریخی معتبر، گزارش‌های سیره‌نگارانه و روایت معاصر از بازنمایی شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در فضای فکری جامعه امروز است. انتخاب نمونه‌ها به صورت هدفمند و براساس معیارهایی مانند غنای معنایی، ارتباط مستقیم با موضوع بحران‌ها و قابلیت استخراج تماتیک صورت گرفت.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها: برای استخراج داده‌ها از یادداشت برداری ساختاریافته استفاده شد. در این مرحله، محتوای روایات و گزارش‌ها براساس محورهای مانند نوع بحران، شیوه مواجهه حضرت خدیجه علیها السلام، نوع فعالیت حمایتی، نقش اجتماعی و خانوادگی، و اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت اقدامات ایشان طبقه‌بندی شد.

روش تحلیل: تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از تحلیل تماتیک (Thematic Analysis) در سه مرحله انجام گرفت:

- کدگذاری باز: شناسایی و نام‌گذاری واحدهای معنایی مرتبط با نقش حضرت خدیجه علیها السلام در مواجهه با انواع بحران‌ها.

- کدگذاری محوری: ترکیب و ادغام کدهای پراکنده در قالب محورهای همچون مدیریت عاطفی-روانی، پایداری ایمانی، نقش‌آفرینی اجتماعی و کنشگری در شرایط فشار.

- تحلیل تطبیقی: مقایسه یافته‌های حاصل از روایات تاریخی و روایت معاصر

با هدف استخراج الگوی مشترک برای زنان مسلمان امروز.

روایی و پایایی: به منظور افزایش اعتبار نتایج، تحلیل‌ها، محتوای استخراج شده با منابع معتبر تاریخی و سیره‌نگاری تطبیق داده شد تا از دقت، بی‌طرفی و اتقان علمی یافته‌ها اطمینان حاصل شود.

ملاحظات اخلاقی: در انجام پژوهش، اصول اخلاقی شامل استانداردسازی ارجاعات، رعایت حقوق معنوی نویسندگان، امانت‌داری در نقل روایات و حفظ شأن و حرمت شخصیت‌های مذهبی کاملاً رعایت شد.

۱- چالش‌های اجتماعی ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله

خدیجه بانویی خردمند و دوراندیش و والا گهر بود. خداوند متعال برای او خیر و کرامت اراده فرمود. از لحاظ نسب، شرف و ثروت گزینه‌ترین زن قریش بود. تمام مردان قریش در این آرزو به سر می‌بردند که اگر بتوانند، با او ازدواج کنند. از او خواستگاری کرده و حاضر بودند مهریه سنگین بپردازند. (زهری، ۱۳۷۴، ص ۱۲۰) اما ایشان خواستگاری تمام اشراف را رد کرد. خدیجه علیها السلام را لقب "سرور بانوان قریش" داده بودند. ایشان همواره در مسیر پاکدامنی قرار داشتند تا جایی که ملقب به طاهره بود. (سهیلی، ۱۴۱۲، ص ۲۴۴) سرانجام، اراده الهی بر آن قرار گرفت که این بانوی بزرگ به همسری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درآید و در کنار ایشان، با ایمانی راسخ، در راه رسالت خاتم پیامبران به او یاری رساند.

برخی سیره‌نویسان گمان برده‌اند که انگیزه‌های مادی در این ازدواج برجسته

بوده درحالی که انگیزه‌های معنوی این پیوند مبارک نمایان است. به گزارش ابن حجر عسقلانی، میسره غلام حضرت خدیجه علیها السلام که همراه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در سفر تجاری بود، برخی از نشانه‌های نبوت را در ایشان مشاهده کرد. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ص ۱۸۹) ابن اسحاق روایت کرده است: خدیجه گزارش غلامش میسره را برای عموزاده‌اش "ورقه بن نوفل بن اسد" ذکر کرد و گفت: دیده که دو قطعه ابر بر سر محمد صلی الله علیه و آله و سلم سایه می‌افکند. ورقه نصرانی بود. کتاب‌های زیادی را خوانده و بر مطالبی علم پیدا کرده بود، از این رو به خدیجه گفت: اگر این چیزهایی را که می‌گویی راست باشد، محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر این امت خواهد بود و من می‌دانستم که این امت انتظار پیامبری را می‌کشد و اکنون زمان آن فرا رسیده است. (یوسفی غروی، ۱۳۸۳، ص ۲۷۹. ابن اسحاق، ۱۴۰۳، ص ۲۰۳)

حضرت خدیجه علیها السلام به جایگاه و مقام رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم آگاهی پیدا کرده بود. از این رو رغبت به این ازدواج داشت. او بهترین انتخاب زندگیش را انجام داد. با وجود موقعیت اجتماعی که داشت و فرهنگ دوران جاهلیت که ریشه در تفاخر و تکاثرگرایی داشت؛ این انتخاب، دشواری‌ها و سختی‌هایی را برای ایشان به ارمغان آورد. چنان که "کوفی" به این سختی‌ها اشاره می‌کند که زمانی که خدیجه با پیامبر ازدواج کرد، زنان قریش بر او خشم گرفتند و از او دوری جستند و به طعن گفتند: «اشراف و بزرگان قریش از تو خواستگاری کردند ولی هیچ کدام را نپذیرفتی؛ و اکنون با محمد، یتیم ابوطالب، که مالی ندارد ازدواج کردی.» (کوفی، ۱۳۷۳، ص ۷۰) زنان قریش چون فلسفه این ازدواج را متوجه

نبودند، حضرت خدیجه را ملامت و سرزنش می‌کردند. آنها روابط خود را با خدیجه قطع کردند و او را تنها گذاشتند.

این نکته علاوه بر این که در کتاب‌های تاریخی آمده، در احادیث اهل بیت هم بیان شده است. مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: چون خدیجه با رسول خدا ازدواج کرد، زنان مکه از او دوری گزیدند و به دیدنش نمی‌رفتند و به او سلام نمی‌دادند و اگر زنی می‌خواست به دیدن ایشان برود او را منع می‌کردند و خدیجه سخت اندوهگین شد و در عین حال بیشتر غم و اندوه او برای رسول خدا بود. (فتال نیشابوری، ۱۳۶۶، ص ۲۳۹) این روایت‌ها تصویری از آن زمان را نشان می‌دهد که حضرت خدیجه چگونه مورد بی‌مهری زنان قریش قرار گرفت.

میل به دوست داشته شدن و محبوب دیگران بودن در درون انسان وجود دارد. چنانچه در زیارت امین‌الله این نکته به زیبایی بیان شده و دعاکننده از خداوند متعال چنین درخواستی را دارد که "محبوبه فی ارضک و سمائك" هم در زمین محبوب باشم هم در آسمان؛ در زمین محبوب باشم به این که مردم مرا دوست داشته باشند. (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۲۶۴) این احساس در درون حضرت خدیجه علیه السلام نیز بود. نوع رفتار زنان روزگار او، موجبات ناراحتی ایشان را فراهم آورد. این محدودیت در دوستی‌ها سخت بود، اما رفتار زنان سرشناس شهر سبب دوری از اجتماع و ناآرامی او نشد. حضرت خدیجه برای رویارویی با این رفتارها و برون‌رفت از این بحران روانی و عاطفی، راهکارهایی را استفاده می‌کند که در ادامه بیان می‌شود.



۱-۱. معنویت؛ پشتوانه خدیجه علیها السلام در بحران‌ها

وقوع حوادث تلخ در بسیاری از موارد به یکباره توان روحی و روانی انسان را کاهش می‌دهد؛ این در حالی است که موقعیت ناخوشایند، وضعیت جدیدی است که توان جدیدی هم می‌طلبد. بر همین اساس برقراری توازن میان اقتدار روانی و موقعیت ناخوشایند از اصول کامیابی در راه مهارت‌نگی هاست. بسیاری از ناکامی‌ها که در مهارت‌نگی‌ها به وجود می‌آید ناشی از ناکامی در تقویت توان روانی است. در ادامه به راهکارهای تقویت توان روانی اشاره خواهد شد:

۱. طواف: طواف گرد کعبه چرخیدن و به دیدار معشوق شتافتن است. طواف چرخش عاشق گردادگرد معشوق است تا خود را با آتش عشق او بسوزاند. طواف آن است که عارف پروانه‌وار بر گرد شمع بچرخد تا عاقبت با بال و پری سوخته، خویش را به پی شمع افکند. طواف حرکتی معنوی و سفری روحانی است. (فعالی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵)

سرور زنان قریش به جای همه محرومیت‌هایش با طواف انس دارد. آنقدر بر مدار توحید می‌گردد تا بالاخره راهی برای شکستن محاصره پیدا کند. چه کسی گفته خدیجه غمگین نمی‌شود؟ او مانند هر بنده‌ای از بندگان خدا می‌خندد و گریه می‌کند؛ اما این همه را از خدا می‌داند. خدیجه طواف می‌کند و سرگشتگی طواف گونه‌اش حتی در اوج نااملائیات و تلاطم‌هاست. در جوار بیت‌الله غریبانه زندگی می‌کند. طواف بهترین چیزی است که می‌تواند غربتش را تسکین دهد. طواف بیش از هر چیز با حالات خدیجه دمساز است. خدیجه علیها السلام رابطه‌اش با

خداوند متعال به زیبایی برقرار است. در ورای این ارتباط، آرامش در وجودش روان می‌شود. این آرامش را می‌توان در مکالمه او با محمد صلی الله علیه و آله احساس کرد. وقتی طواف می‌کند از پیامبر می‌پرسد چه کلامی بر زبان جاری کند، پیامبر می‌فرماید: بگو: "اللهم اغفر لی ذنوبی و خطای و عمدی و إسرافی فی أُمّری؛ خدایا از خطا و عمد و افراط کاری من درگذر!". (اخوت، ۱۴۰۲، ص ۹۵)

۲. دعا: دعا هم ارتباط با خداوند و استمداد از او است. امام صادق علیه السلام درباره سیره پدر بزرگوارشان در فشارهای روانی می‌فرماید: کَانَ أَبِی إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ جَمَعَ النِّسَاءَ وَ الصِّبْيَانَ ثُمَّ دَعَا وَ أَمَّنُوا؛ پدرم این گونه بود که هرگاه چیزی او را غمگین می‌ساخت زنان و کودکان را جمع می‌کرد، سپس دعا می‌نمود و آنان آمین می‌گفتند. (پسندیده، ۱۳۹۱، ص ۲۹۰)

خدیجه علیها السلام این گونه با طواف و دعا بندگی معبودش را می‌کند. با عبادت، انسان به خداوند نزدیک می‌شود و از آثار عبادت تسلط بر خود است. اولین نشانه نزدیک شدن به کانون قدرت لایتناهی، تسلط بر قوا و تمایلات نفسانی و تسلط بر اعضا است. (مطهری، ۱۳۹۴، ص ۵۹) رفتار زنان قریش می‌توانست موجب شود تا حضرت خدیجه علیها السلام کینه آنها را به دل بگیرد و برای مقابله با آنها واکنشی نشان دهد که خداوند راضی نباشد؛ اما عبادتش و آثار آن مانع از چنین عکس‌العملی بود.

۲-۱- خانه خدیجه؛ کانون امنیت، ایمان و همیاری اجتماعی

در تاریخ یعقوبی ذکر شده خدیجه خواهری داشت که همسرش از دنیا رفت و دو فرزندش را بدون سرپرست گذاشت حضرت خدیجه که زنی ثروتمند بود سرپرستی خواهر و خواهرزاده‌های خود را به عهده گرفت و پس از ازدواج با پیامبر بچه‌ها در خانه پیامبر باقی ماندند. (رضایی هفتاد، ۱۴۰۲، ص ۱۷۹. عاملی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۹ و ۲۱۲). امنیت را در ادبیات این خانه می‌توان احساس کرد. چیزی که یتیم بیشتر از همه نیاز دارد احساس سربار نبودن و امنیت داشتن است. خدیجه علیها السلام چنان یتیمان را زیر پر و بال می‌گیرد که کسی باور نمی‌کند او مادرشان نباشد. (اخوت ۱۴۰۲، ص ۹۷ و ۱۰۳).

همچنین زید پسر حارثه ۸ ساله بود که اسیر شد و سراز بازار برده فروشان درآورد. "حکیم پسر حزام" کارگزار خدیجه علیها السلام و فرزند برادرش، زید را خریداری کرد و به خدیجه داد. او نیز پسرک را به محمد صلی الله علیه و آله بخشید. آن حضرت بلافاصله او را آزاد شده اعلام کرد و مانند فرزند خود سرپرستی نمود. سال‌ها بعد که پدر و خویشاوندانش به زعم خود برای آزادی زید به مکه آمدند، او ماندن در این خانه را بر همراه شدن با پدر خود اختیار کرد. محمد صلی الله علیه و آله نیز او را به عنوان پسر خود معرفی کرد. «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كَفَلَ يَتِيمًا وَكَفَلَ نَفَقَتَهُ، كُنْتُ أَنَا وَهُوَ فِي الْجَنَّةِ كَهَاتَيْنِ. وَقَرْنَ بَيْنَ إِصْبَعَيْهِ الْمُسَبِّحَةِ وَالْوُسْطَى؛ كَسَى كَسَى يَتِيمِي رَا سِرْپَرَسْتِي كَنْد و عَهْدَه دَار هَزِينَه او شُود هَمَنْشِين مَن در بهشت است. سِپَس اَنگِشْت سَبَّابَه و اَنگِشْت و سَطَى رَا پِيش هَم گِذاشْت و فرمود: مانند این دو که

کنار همدیگر هستند.» (حمیری، ۱۳۷۱، ص ۹۴). خدیجه علیها السلام با سرپرستی یتیمان، خدا و رسولش را خشنود کرد و هم در دنیا همنشین پیامبر شد و هم در آخرت.

درباره کمک به بانوان دیگر هم نوشته اند، مدتی بود که زن ناینبایی به خانه خدیجه می آمد و بانوبه امورش رسیدگی می کرد. روزی رسول خدا در حضور خدیجه به آن زن گفت: "چشمان تو باید سلامتی خود را باز یابند!" با گفتن این جمله آن زن شفا یافت. (اخوت، ۱۴۰۲، ص ۱۲۲. مجلسی، ۱۳۶۳، ص ۱۷).

در گزارش تاریخی آمده است: مسلمانان زیاد شدند و ایمان آشکار شد، گروهی از مشرکان و کافران قریش بر کسانی از قبایل خود که ایمان آورده بودند، حمله کردند و آنها را زندانی کردند و شکنجه می دادند و می خواستند آنها را از دین برگردانند. پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها فرمود پراکنده شوید. گفتند: ای رسول خدا کجا برویم؟ با دست به سوی حبشه اشاره کرد و پیامبر آنجا را برای هجرت اصحاب خود از همه جا بیشتر دوست می داشت، گروه قابل ملاحظه ای از مسلمانان برخی تنهایی و برخی همراه همسر و خانواده به آن سرزمین رفتند.

اسامی زنان و مردان مهاجری که در این هجرت شرکت داشتند چنین است: عثمان بن عفان همراه همسرش رقیه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله، ابو حذیفه بن عتبة بن ربیعة همراه همسرش سهله دختر سهیل بن عمرو، زبیر بن عوام بن خویلد بن اسد، مصعب بن عمیر هاشم بن عبد مناف بن عبد الدار، عبد الرحمن بن عوف بن عبد عوف بن عبد بن حارث بن زهرة، ابوسلمة بن عبد الاسد بن هلال بن عبد

الله بن مخزوم همراه همسرش ام سلمه دخترابی امیه بن مغیره، عثمان بن مظعون جمحی، عامر بن ربیعہ غزی هم پیمان بنی عدی بن کعب همراه همسرش لیلی دختر ابو حثمة، ابوسبرة بن ابورهم بن عبد العزّی عامری، حاطب بن عمرو بن عبد شمس، سهیل بن بیضاء از بنی حارث بن فهر و عبد الله بن مسعود هم پیمان بنی زهرة. (ابن سعد، ۱۳۷۴، ص ۱۹۰).

دست توانمند خدیجه در مسلمان شدن فرودستان و البته زنان و مردانی که هر یک عامل دعوت آن دیگری به اسلام بودند، آشکار است. اسم این بانوان در کنار همسرانشان، نشانه‌ای قابل توجه در پذیرش این مدعا است. (اخوت، ۱۴۰۲، ص ۱۵۰).

۳-۱- رفتار پیامبر ﷺ با دوستان خدیجه

پیامبر ﷺ به دلیل علاقه‌ای که به همسر با وفای خود داشت، به دوستان و نزدیکان او نیز احترام می‌گذاشت. هرگاه رسول خدا گوسفندی ذبح می‌نمود، سفارش می‌کرد که برای دوستان و اصدقاء خدیجه از این گوشت بفرستید. عایشه می‌گوید من گفتم برای چه این کار را بکنیم. فرمود: "من دوست دارم دوستان خدیجه را." عایشه می‌گوید: روزی هاله، خواهر خدیجه، از پیامبر ﷺ اجازه ورود خواست. همین که رسول خدا صدای او را شنید، به یاد خدیجه افتاد. (محلاتی، بی‌تا، ص ۲۰۵ و ۲۰۸) روزی زنی پیرو از کار افتاده نزد پیامبر ﷺ رفت. رسول خدا با او مهربانی کرد و با ملاطفت ویژه‌ای از او پذیرایی فرمود. پس از

رفتن او، عایشه پرسید: «او چه کسی بود که این چنین با او رفتار کردی؟» پیامبر فرمود: «این زن در زمان حیات خدیجه، با او رفت و آمد داشت و پیمان دوستی بسته بود و خوش پیمانی از نشانه های ایمان است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۸) حسانه یکی از دوستان خدیجه بود که پیامبر پس از فوت خدیجه، گاه گاه به او سر می زد و احوال او را جویا می شد. گاهی که هدیه ای به پیامبر داده می شد، می فرمود: بخشی از آن را برای فلانی ببرید. او دوست خدیجه بود. (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ص ۶۴)

از این گزارشات تاریخی مشخص می شود که حضرت خدیجه -سلام الله علیها- گرچه از طرف عده ای از زنان قریش طرد شده بود اما در همان حال ایشان دوستانی داشت که همنشینش بودند و روابط اجتماعی بانوی قریش همچنان برقرار بود. تاب آوری ایشان در این فشارهای روحی نشان از بصیرت ایشان نسبت به پیامبر دارد و در راه رسیدن به هدفی که پیامبر مامور به انجام آن بود، حضرت خدیجه علیها السلام سختی های این راه را پذیرفت.

۴-۱- کوثر؛ پاسخ خداوند به صبر خدیجه علیها السلام

انسان با ایمان، باور دارد که تحمل ناملازمات در راه رضای خدا پاداش دارد و این یکی از عوامل تقویت شکیبایی و صبر است. خداوند غربت، تنهایی و فشارهای روحی که خدیجه تحمل کرد را با وجود کوثر علیها السلام التیام داد. روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله داخل خانه شد، شنید که خدیجه علیها السلام با کسی سخن



می‌گوید ولی کسی را نزد او ندید، فرمود: ای خدیجه با که سخن می‌گویی؟ خدیجه گفت: فرزندی که در شکم من است با من سخن می‌گوید و مونس من است، حضرت فرمود: جبرئیل مرا خبر می‌دهد که این فرزند دختر است، او و نسل او طاهرو با برکت است. حق تعالی، نسل مرا از او به وجود خواهد آورد و از نسل او امامان و پیشوایان دین یکی پس از دیگری خواهند آمد و خلیفه‌های خدا بر روی زمین هستند.

ولادت فاطمه علیها السلام که نزدیک شد، سرور بانوان قریش به زنان قریش پیغام فرستاد که به کمک او بیایند اما آن‌ها به دلیل کینه‌ای که از بانوبه سبب ازدواجش با پیامبر داشتند به یاری ایشان نیامدند. خدیجه علیها السلام بسیار ناراحت و غمگین بود. ناگهان چهار زن گندمگون بلند قامت نزد او حاضر شدند که شبیه زنان بنی هاشم بودند، خدیجه از دیدن ایشان ترسید.

یکی از ایشان گفت: ای خدیجه، نترس ما فرستادگان پروردگاریم و ما خواهران تو هستیم، منم ساره همسر ابراهیم خلیل و آن که رفیق تودر بهشت خواهد بود، آسیه دختر مزاحم است و سومی مریم دختر عمران و چهارمی کلثوم خواهر موسی بن عمران است. خداوند متعال ما را فرستاده که در وقت ولادت نزد تو باشیم و تو را کمک نماییم، یکی از ایشان در سمت راست خدیجه، دیگری در طرف چپ، سومی روبه رو و چهارمی پشت سر نشست. فاطمه علیها السلام پاک و پاکیزه به دنیا آمد. وقتی فاطمه علیها السلام بر زمین قرار گرفت، نوری از وجود او تابید که خانه‌های مکه را روشن کرد و هیچ خانه‌ای در شرق و غرب عالم نبود جز این که این نور وارد آن

خانه شد. (مجلسی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۹)

پروردگار عالم، تلخ‌کامی‌ها و فشارهای روحی و روانی آن مدت را که خدیجه تحمل کرده بود، با وجود زهرای مرضیه برای او به بهترین شکل جبران کرد.

۲- مدیریت فقدان فرزندان با بینش توحیدی

حضرت خدیجه علیها السلام در زندگی لحظه‌های سخت و آزمون‌های سنگینی را پشت سر گذاشت. یکی از آن آزمون‌های الهی فقدان دو فرزند پسریشان بود. یعقوبی می‌نویسد قاسم در چهارسالگی از دنیا رفت، نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار جنازه‌ی او به یکی از کوه‌های مکه افتاد و خطاب به آن فرمود: «ای کوه! آنچه به من در مورد مرگ قاسم وارد شد، اگر بر تو وارد می‌شد متلاشی می‌شدی.» و یک ماه بعد از قاسم، عبدالله که هنوز از شیر گرفته نشده بود از دنیا رفت. خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: «کاش عبدالله باقی می‌ماند تا از شیر گرفته می‌شد» پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «فان فطامه فی الجنه؛ همانا شیر گرفتن او در بهشت خواهد بود.» خدیجه علیها السلام عرض کرد: «ای رسول خدا! فرزندان من از تو کجا هستند؟» پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود: «در بهشتند.» خدیجه علیها السلام گفت: «آیا بدون عمل؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا آگاهی دارد که اگر آنها زنده می‌ماندند، جز عمل صالح انجام نمی‌دادند.» (یعقوبی، ۱۳۷۱، ص ۳۹۰)

در مورد اینکه آیا این دو پسر قبل از بعثت از دنیا رفتند یا بعد از بعثت، با اختلاف بیان شده است. آنچه از این نقل‌ها به دست می‌آید، هردو فرزند در دوران

طفولیت و کودکی با زندگی وداع کردند.

ابن هشام می گوید درباره زمان مرگ قاسم در دوران جاهلیت، اختلاف نظر وجود دارد. سهیلی از زبیر نقل کرده است که قاسم در دوران شیرخواری از دنیا رفت. همچنین روایت کرده که رسول خدا ﷺ پس از وفات قاسم، بر خدیجه وارد شد در حالی که او گریه می کرد. خدیجه گفت: «ای رسول خدا، شیردر سینه ام جاری شده است. اگر او زنده می ماند تا دوران شیرخواری اش را کامل می کرد، غمش بر من آسان تر می شد.» پیامبر ﷺ فرمود: «اگر بخواهی، صدای قاسم را در بهشت به تو بشنوانم.» خدیجه پاسخ داد: «خدا و رسولش را تصدیق می کنم.» (ابن هشام، بی تا، ص ۱۹۰)

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: هنگامی که قاسم فرزند رسول خدا از دنیا رفت. آن حضرت، خدیجه را دیدند که گریه می کند. فرمودند: ای خدیجه، چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: یا رسول الله، دانه مروارید گرانمایی بود که از دستم رفت. برای او گریه می کنم. حضرت فرمودند: ای خدیجه، آیا راضی نیستی که روز قیامت او را ببینی که بر در بهشت ایستاده است. هنگامی که تو را می بیند، دستت را می گیرد در پاکیزه ترین منزل های بهشت قرار دهد. خدیجه عرض کرد: این برای من است یا برای هر بنده مومن؟ پیامبر فرمود: برای هر بنده مومنی که صبر کند و نیت خود را برای خدا خالص گرداند. به درستی که خدای عزوجل حکیم تر و کریم تر از این است که میوه دل بنده را از او بگیرد و با وجود این او را عذابش کند. (محلاتی، بی تا، ص ۲۶۸)

فقدان و از دست دادن داشته‌ها حادثه تلخی است که موجب تنیدگی می‌گردد. انسان به آنچه دارد، هم احساس تعلق پیدا می‌کند و هم نسبت به آن‌ها دلبسته می‌شود. آنچه مصیبت فقدان عزیزان را ناخوشایند می‌سازد احساس تعلق انسان نسبت به آن‌هاست؛ این به جهت احساس مالکیت است که نسبت به آن‌ها داریم. جدا شدن از آنچه که دلبسته آن هستیم تنش‌زا و دردناک است. بی‌تابی کردن و شکایت نمودن هنگام فقدان به این دلیل است که تصور می‌شود قدرت قاهره چیزهایی را که ما مالک آن بوده‌ایم تصاحب یا نابود کرده است. واقعیت این است که آنچه در زمین و آسمان هست، همه از آن خداوند متعال است و آنچه در دست ماست امانتی از جانب وی است. کسانی که فرزندی را از دست می‌دهند در حقیقت امانت خدا را پس داده‌اند.

کسی از اصحاب پیامبر خدا، فرزند خود را از دست داد و بسیار بی‌تاب شد. پیامبر خدا نامه تسلیتی برای وی فرستاد در بخشی از آن آمده است: "به من خبر رسید که تو در فراق فرزندت که به قضای الهی رحلت کرده بی‌تابی می‌کنی، همانا پسر از مواهب ارزنده خدا و یکی از امانت‌های او به تو بود تا موعد مرگ او فرا رسید و خداوند جان‌ش ستاند. ما از خداییم و به سوی خدا باز می‌گردیم. مبدا بی‌تابی تو در فراق او اجر و ثواب تورا از بین ببرد، اگر به ثواب مصیبت خود بررسی خواهی دانست که مصیبت در برابر آن ثواب بزرگی که خدا برای آن تدارک دیده نسبت به اهل تسلیم و صبر، بسیار کم و کوتاه است. بدان که بی‌تابی کردن، مرده را بر نمی‌گرداند و از تقدیر الهی جلوگیری نمی‌نماید، پس خود را خوب تسلی بده و



و عده مقرر را بپذیر. " در حقیقت پیامبر خدا با اشاره به امانت بودن فرزند، وی را آرام ساخت و تسکین بخشید. (پسندیده، ۱۳۹۱، ص ۲۷۶ و ۲۸۰. حرانی، ۱۳۸۷، ص ۹۷)

حضرت خدیجه علیها السلام در برابر داغ سنگین از دست دادن دو فرزند خردسال، تسلیم مشیت الهی شد. بینش او ریشه در معرفت توحیدی داشت. او می دانست که حیات و مرگ، به دست خداوند است و باور داشت هیچ حادثه‌ای در جهان از دایره‌ی تدبیر الهی خارج نیست. گریه‌اش از عاطفه‌ی مادری بود، نه از اعتراض به قضا و قدر. این تفکیک میان رنج طبیعی و تسلیم توحیدی، جلوه‌ای از بلوغ ایمانی او است. خدیجه علیها السلام ایمان دارد که خداوند هیچ صبری را بی پاداش نمی‌گذارد. بینش او سبب شد که او این مصیبت سنگین را وسیله‌ای برای نزدیک شدن به خداوند قرار دهد. در آموزه‌های دینی، صبر بر مصیبت از بزرگ‌ترین تکالیف الهی و نشانه‌ی ایمان راستین است. در حقیقت، تکلیف الهی او در این موقعیت ثبات روحی، اعتماد به وعده الهی و حفظ رضا در مصیبت بود. او در این آزمون، تسلیم را به مرتبه رضا رساند و در عمل نشان داد که باور به خدا باید در رنج و فقدان هم معنا داشته باشد.

در دنیای امروز که بسیاری از زنان با چالش‌های روانی، عاطفی و خانوادگی روبه‌رو هستند، سیره خدیجه علیها السلام الگوی کامل برای مدیریت بحران‌های عاطفی و روانی است. او به زنان می‌آموزد که بین عاطفه و ایمان تضادی نیست؛ می‌توان بر مصیبت گریه کرد، اما بدون شکایت از خدا. رنج، زمینه‌ی رشد ایمان و بلوغ روح

است. باور به وعده‌ی الهی (پاداش صبر، ادامه حیات در بهشت) می‌تواند عامل آرامش حقیقی در مصیبت باشد. هر زن مؤمن در هر زمان، با صبر و بینش الهی، می‌تواند تکیه‌گاه خانواده و جامعه‌اش باشد.

۳- خدیجه و دفاع از پیامبر در بحران اجتماعی

یکی از روش‌های مشرکان در برخورد با رسول خدا ﷺ، برخوردهای استهزایی در جهت ایذا و اذیت آن حضرت بود. آنچه که هدف اصلی بود، خرد کردن شخصیت پیامبر ﷺ و منزوی ساختن ایشان بود. مشرکان در شکل‌های مختلف، آن حضرت را مورد استهزا قرار می‌دادند تا علاوه بر منزوی کردن او، شخصیتش را در پیش مردمان عادی تحقیر کنند. طبیعی بود که در آن صورت، نه او توان بروز در جامعه را داشت و نه توده مردم چندان توجهی به او می‌کردند. تأثیر روحی این برخورد بر روی پیامبر ﷺ که اهل نجابت و صداقت بود نمی‌توانست کم باشد، با این حال وی به پشتوانه همین صداقت و نجابت در برابر آن همه استهزاء ایستادگی کرد. (جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۲۷۰).

در روایت‌ها آمده که آیه ۹۴ و ۹۵ سوره حجر درباره آشکار نمودن اسلام می‌باشد. "فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ" * إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ؛ پس آنچه را بدان مأمور شده‌ای آشکار کن و از مشرکان اعراض نما (و به آنان اعتنا نکن). همانا ما تورا از (شر) استهزا کنندگان کفایت کردیم."

در معانی الاخبار به سند خود از عبدالله بن علی حلبی روایت کرده که گفت:

من از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از آنکه وحی الهی شروع شد، سیزده سال در مکه ماند. در سه سال اولش مخفیانه دعوت می کرد، تا آنکه خدای عزوجل با فرستادن "فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ" مامورش فرمود تا علنی دعوت بفرماید و از آن روز دعوت علنی شروع شد و در الدر المنثور است که: ابن جریر از ابی عبیده نقل کرده که گفت: عبدالله بن مسعود گفت: دائم رسول خدا صلی الله علیه و آله پنهانی دعوت می نمود، تا آنکه آیه "فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ" نازل شد، با یاران خود از مخفیگاهش بیرون گشته دعوت خود را علنی نمود.

در تفسیر عیاشی از محمد بن علی حلبی از ابی عبدالله امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه سال ها پنهانی دعوت می کرد و تنها علی و خدیجه به او ایمان آورده بودند، آنگاه خدای سبحان مامورش کرد تا دعوت خود را علنی سازد. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله آشکار شده و در قبایل عرب خود را عرضه می کرد و به هر قبیله که می رفت می گفتند: دروغگو، از نزد ما بیرون شو. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ص ۲۹۱) علامه مجلسی در بحار الانوار گزارشی از رفتار ناپسند مشرکین نقل می کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله در موسم حج بر بالای کوه صفا آمد. با ندای بلند سه بار فرمود: «یا ایها الناس انی رسول الله رب العالمین؛ ای مردم! من رسول خداوند، پروردگار جهانیان هستم.» مردم به سوی آن حضرت آمدند. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله بر بالای کوه مروه رفت و سه بار با صدای بلند فرمود: «یا ایها الناس انی رسول الله؛ ای مردم! من رسول خدا هستم.» باران سنگ از سوی برخی مشرکان، به سوی روانه گشت. ابوجهل سنگی به

طرف او پرتاب کرد که پیشانی مبارکش شکافت و خون جاری شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حفظ جان به بالای کوه رفت و در نقطه ای نشست. در این هنگام مردی نزد حضرت علی علیه السلام آمد و گفت: «محمد صلی الله علیه و آله کشته شد.» حضرت علی علیه السلام سراسیمه به سوی خانه خدیجه علیها السلام می‌شتابید و بانورا از ماجرا آگاه می‌کند.

خدیجه علیها السلام آب و غذا برداشت و برای جست‌وجوی رسول خدا راهی شدند. علی علیه السلام فریاد می‌زد: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله جانم به فدایت کجا هستی؟ و در کدام گوشه افتاده‌ای؟» حضرت خدیجه علیها السلام با آهی جانکاه گفت: «مَنْ أَحْسَ لِي النَّبِيُّ الْمُصْطَفَى؟ مَنْ أَحْسَ لِي الرَّبِّيعَ الْمُتَرْتَضَى؟ مَنْ أَحْسَ لِي الْمَظْرُودَ فِي اللَّهِ؟ مَنْ أَحْسَ لِي أَبَا الْقَاسِمِ؟» آیا کسی هست از پیامبر برگزیده برایم خبر آورد؟ آیا کسی هست از بهار دل گشا خبری به من دهد؟ آیا کسی هست تا از آن آواره در راه خدا مرا آگاه سازد؟ آیا کسی هست از ابوالقاسم مرا با خبر نماید؟

جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله او را دید اشک از چشمانش سرازیر شد و فرمود: «بین قوم من با من چه کردند؟ سخن مرا به دروغ نسبت دادند و پیشانیم شکستند.» جبرئیل عرض کرد: «ای محمد! دست را به من بده.» آنگاه جبرئیل دست آن حضرت را گرفت و او را بر بالای کوه نشانید و فرشی بهشتی زیر پای پیامبر صلی الله علیه و آله پهن کرد. جبرئیل به حضرت خدیجه علیها السلام نگاه کرد که در کوه در جست‌وجوی گمشده‌ی خود بود، به رسول خدا عرض کرد: «خدیجه علیها السلام را دریاب که از گریه‌ی او فرشتگان به گریه درآمدند، او را به سوی خود بخوان و سلام مرا به او برسان و به او بگو خداوند به تو سلام می‌رساند، به او بشارت



بده که در بهشت برای تو خانه‌ای که از مروارید است که آن را با نور زینت داده‌اند در آن هیچ ترس و وحشتی نیست.

آنگاه پیامبر ﷺ چشمش به خدیجه علیها السلام افتاد و او را فراخواند، در حالی که از صورت پیامبر ﷺ قطره‌های خون جاری بود و ایشان آن خون‌ها را پاک می‌کرد. آن روز به شب رسید، پیامبر ﷺ از تاریکی شب استفاده کرده و همراه علی علیها السلام و خدیجه علیها السلام به خانه بازگشتند. خدیجه علیها السلام آن حضرت را به خانه آورد. مشرکان آمدند و خانه را سنگباران کردند. خدیجه علیها السلام خود را سپر پیامبر قرار می‌داد. در این هنگام خدیجه علیها السلام فریاد می‌زد: «ای مردم قریش! شرم و حیا نمی‌کنید که خانه زنی را سنگباران می‌کنید؟» وقتی که مشرکان این ندا را شنیدند، منصرف شدند و از آنجا رفتند. (اخوت، ۱۴۰۲، ص ۱۶۱-۱۵۸. مجلسی، ۱۳۶۳، ص ۲۴۱-۲۴۳).

روایت شده است که هرگاه پیامبر اکرم ﷺ از تکذیب‌ها و آزارهای قریش اندوهگین و آزرده خاطر می‌شدند، هیچ چیز ایشان را شاد و مسرور نمی‌کرد مگر یاد خدیجه علیها السلام همسر بزرگوارشان، هر زمان که ایشان را ملاقات می‌کردند، شاد می‌شدند. حضرت خدیجه علیها السلام نیز آن حضرت را در آغوش می‌گرفتند، می‌بوسیدند، در برابر توهین‌های قریش از ایشان دفاع می‌کردند و برای سلامتی‌شان صدقه می‌دادند. (محلاتی، بی تا، ص ۲۰۵).

حضرت خدیجه علیها السلام با بصیرتی که داشت پس از بعثت، بدون تردید به پیامبر ایمان آورد. زمانی که مردم پیامبر را تکذیب می‌کردند و آزار می‌دادند، با تمام وجود از پیامبر دفاع کرد. ایشان در بحرانی‌ترین لحظات، بهترین تصمیم‌ها را گرفت.

وقتی خبر سنگباران پیامبر را شنید، بی‌درنگ با آب و غذا به سوی کوه شتافت. در شرایطی که مشرکان خانه پیامبر را سنگباران کردند، با هوشمندی او را پنهان کرد و خود را سپر سنگ‌ها قرار داد. با سخنان هوشمندانه‌اش احساسات عمومی را برانگیخت و مشرکان را وادار به عقب‌نشینی کرد. در تمام این ماجرا، به وظیفه الهی خود عمل کرد. برای رضای خدا با به خطر انداختن جان خود از پیامبر حمایت کرد. در برابر سختی‌ها، نه تنها شکایتی نکرد، بلکه با صبر و استقامت، پیامبر را دلگرم ساخت. پاداش حضرت خدیجه علیها السلام در این ماجرا، سلام الهی و وعده خانه‌ای در بهشت بود.

۱-۳. خدیجه علیها السلام الگوی حمایت فعال در بحران‌ها

پیامبر با حالتی از اندوه و نگرانی از غار حرا به خانه آمد. خدیجه -سلام الله علیها- از ایشان استقبال کرد، اما سایه نگرانی در سیمای پیامبر سنگین است. خدیجه می‌گوید: "ای پیامبر خدا این چه اندوه و نگرانی بی‌سابقه‌ای است که اثر آن را در شما می‌بینم؟" پیامبر می‌فرماید: علی علیه السلام ناپدید شده است. به من هجوم آوردند و از من جدا افتاد و اکنون نمی‌دانم کجاست. من بر جان او نگرانم. خدیجه برای دلگرمی و آرامش پیامبر می‌گوید: نگران نباشید علی نیز مثل همه به خانه خواهد آمد و خطری او را تهدید نخواهد کرد. این کلمات محمد را آرام نکرد این را خدیجه در طول گفتن جمله‌اش متوجه شد به همین دلیل مسیر کلامش را عوض کرد و گفت هر کاری که لازم باشد برای یافتن علی و بازگرداندنش به خانه



انجام خواهم داد و تا جان در بدن دارم از سلامت و امنیت او دفاع خواهم کرد. بانوبعد از گفتن این کلمات خدمتکاران خویش را فراخواند تا مرکب ویژه‌اش را آوردند. سلاح برداشت و رکاب کشید و در بیابان‌ها و کوه‌های اطراف مکه به جست و جوی علی پرداخت. سرانجام علی پیدا شد و با هم به سوی مکه حرکت کردند پس از نزدیک شدن به خانه خدیجه با سرعت بیشتری آمد تا مژده آمدن علی را به پیامبر بدهد. وقتی رسید آن حضرت در حال راز و نیاز با خدا بود. خوب که گوش کرد، دید آن بزرگوار می‌گوید: "خدایا اندوهم را بزدای و دل را به دیدار محبوب دلم علی پسر ابوطالب شادمان ساز!"

خدیجه-سلم الله علیها- چند قدمی جلو تر آمد و گفت: "ای پیامبر، مژده مژده! خدا خواسته شما را برآورده کرد." محمد ﷺ با شنیدن صدای او برخاست رو به آسمان نمود در حالی که مکرر می‌گفت: "شکراً للمجیب؛ شکرای خدای اجابت کننده!"

بانوب شرایط این ایام را خوب درک می‌کند و مهم‌ترین وظیفه‌اش را حفظ جان محمد و علی می‌داند. این اقتضای شرایط جدید است که باید لباس رزم و سلاح بردارد. (اخوت، ۱۴۰۲، ص ۱۴۶. کوفی، ۱۴۱۰، ص ۵۴۷).

حضرت خدیجه ﷺ در طول دوران رسالت، نقش بی‌نظیر در حمایت از پیامبر و تثبیت اسلام ایفا کرد. یکی از جلوه‌های برجسته این نقش، واکنش ایشان در برابر ناپدید شدن حضرت علی ﷺ در جریان هجوم مشرکان به پیامبر است. این واقعه، نمونه‌ای روشن از ایمان، فداکاری و درک عمیق ایشان از شرایط اجتماعی و

رسالت الهی پیامبر اکرم است. حضرت خدیجه -سلام الله علیها- با شناخت عمیق از جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام به خوبی اهمیت حضور و سلامت آنان را در استمرار رسالت الهی درک می‌کند. این بصیرت سبب می‌شود که در لحظه‌ای بحرانی، نه تنها دچار تردید نشود بلکه با تصمیمی قاطع، درک دقیق از شرایط بحرانی، اقداماتی عملی و مؤثر انجام دهد. انتخاب لباس رزم، برداشتن سلاح و حضور در میدان جست و جو، نشان‌دهنده درک صحیح ایشان از اقتضای زمان و مکان است. حضرت خدیجه علیها السلام در این واقعه، از منظر تکلیف الهی وارد میدان می‌شود. دفاع از جان پیامبر و حضرت علی را تکلیف الهی بردوش خود می‌داند و تا پای جان در این مسیر ایستادگی می‌کند. رفتار حضرت خدیجه علیها السلام در این واقعه، الگویی جامع برای زنان مسلمان در همه دوران‌هاست. ایشان با بصیرت، موقعیت‌شناسی و عمل به تکلیف الهی، نشان داد که زن مسلمان می‌تواند در حساس‌ترین شرایط، نقش‌آفرینی مؤثر داشته باشد و در مسیر حمایت از دین و ارزش‌های الهی، پیشگام باشد.

جدول (۱): مقایسه کنش‌های حضرت خدیجه علیها السلام در بحران‌ها با مدل مفهومی

تاب‌آوری

نوع بحران	مؤلفه تاب‌آوری براساس بیانات مقام معظم رهبری	الگوی رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام
طرد اجتماعی از سوی زنان قریش	بصیرت: شناخت درست بحران و حقیقت رسالت	حفظ آرامش، پرهیز از واکنش احساسی، تقویت

روابط با گروهی از بانوان مومن		
پذیرش مشیت الهی، صبر، حفظ امید و ایمان	موقعیت شناسی: تصمیم گیری هوشمندانه در شرایط دشوار.	فقدان فرزندان
دفاع و حمایت از پیامبر با تمام توان	انجام تکلیف الهی: عمل بر اساس ایمان و وظیفه دینی	آزار و تهدید مشرکین نسبت به پیامبر ﷺ

نتیجه گیری

بررسی سیره حضرت خدیجه علیها السلام در مواجهه با بحران های فردی، خانوادگی و اجتماعی نشان می دهد که ایشان نمونه ای کامل از تاب آوری دینی در تاریخ اسلام هستند. تطبیق رفتارهای ایشان با معیارهای «بصیرت»، «موقعیت شناسی» و «انجام تکلیف الهی» که در بیانات مقام معظم رهبری مطرح شده، این نتایج را در پی دارد: که حضرت خدیجه علیها السلام با طرد شدن از سوی زنان قریش، به جای انفعال یا واکنش های احساسی، مسیر معنویت و ارتباط با گروه های دیگری از بانوان را برگزید. این رفتار نشان دهنده بصیرتی است که سختی ها را به فرصتی برای رشد معنوی و اجتماعی تبدیل می کند. در چارچوب نظریه تاب آوری روان شناسی، این رویکرد معادل تمرکز بر منابع درونی و معنوی برای مقابله با فشارهای بیرونی است.

فقدان فرزندان یکی از بزرگ ترین بحران های عاطفی است، اما حضرت

خدیجه با صبر و پذیرش مشیت الهی، این فقدان را به فرصتی برای تقویت ایمان تبدیل کرد. در نظریه تاب‌آوری دینی، چنین رفتاری نشان‌دهنده توانایی معنا دادن به رنج‌ها در پرتوایمان است.

در برابر آزار مشرکان، حضرت خدیجه نه تنها سکوت نکرد بلکه با تمام توان از پیامبر دفاع کرد. این دفاع، تجلی انجام تکلیف الهی در شرایط تهدید و فشار اجتماعی بود. در روان‌شناسی تاب‌آوری، این رفتار معادل کنشگری فعال در برابر بحران‌ها است که مانع فروپاشی روانی و اجتماعی می‌شود. از این رو، الگوی رفتاری حضرت خدیجه در چارچوب نظریه‌های تاب‌آوری نیز قابل تبیین است.

محدودیت: این پژوهش، با وجود اتکا به منابع معتبر تاریخی، بر تحلیل ابعاد فردی و واکنشی حضرت خدیجه علیها السلام متمرکز شده و به دلیل محدودیت حجم، از بررسی جامع تأثیر شبکه‌ای ایشان در میان سایر زنان صدر اسلام بازمانده است.

پیشنهاد: پیشنهاد می‌شود تحقیقات آتی با اتخاذ رویکردی شبکه‌ای، سیره سایر زنان برجسته صدر اسلام را در مواجهه با بحران‌ها مورد بررسی قرار دهند تا الگوی تاب‌آوری دینی به عنوان یک پدیده گروهی و اجتماعی در آن دوران تبیین شود و اعتبار الگوی سیره حضرت خدیجه علیها السلام در بستر تاریخی تقویت گردد.

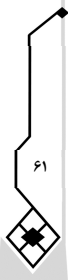


منابع و مآخذ

*قرآن

۱. ابن اسحاق، محمد. (۱۳۶۸). *سیره ابن اسحاق*. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. ابن اثیر، علی. (۱۴۰۹ هـ.ق). *أسد الغابه*. بیروت: دارالفکر.
۳. ابن سعد (الزهري)، محمد. (۱۳۷۴). *طبقات الكبرى*. تهران: فرهنگ و اندیشه.
۴. ابن هشام، عبدالملک. (بی تا). *سیره النبویه*. بیروت: دارالمعرفه.
۵. احمد رضا، اخوت؛ ورجب علی، کاظم. (۱۴۰۲). *فاطمیات*. تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت ﷺ.
۶. بیهقی، احمد. (۱۳۶۱). *دلائل النبوه*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. پسندیده، عباس. (۱۳۹۱). *رضایت از زناشویی*. قم: مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث.
۸. جعفریان، رسول. (۱۳۸۳). *سیره رسول خدا ﷺ*. قم: دلیل ما.
۹. حرّانی، حسن. (۱۳۸۷). *تحف العقول عن آل الرسول*. قم: انتشارات آل علی ﷺ.
۱۰. حمیری، عبدالله. (۱۳۷۱). *قرب الاسناد (ط. الحدیثه)*. قم: مؤسسه آل البيت ﷺ.
۱۱. خرگوشی، عبدالملک. (۱۳۶۱). *شرف النبی ﷺ*. تهران: بابک.
۱۲. سجادی، جعفر. (۱۳۷۳). *فرهنگ اصطلاحات معارف اسلامی*. تهران: کومش.

۱۳. سهیلی، عبدالرحمان. (۱۴۱۲ هـ.ق). *الروض الأنف فی شرح سیره النبویه*. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۱۴. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۹۰). *لغتنامه فرهنگ متوسط دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران موسسه انتشارات و چاپ.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۸). *تفسیر المیزان*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. عاملی، جعفر مرتضی. (۱۳۸۵). *الصحيح من سیره النبى الاعظم*. قم: موسسه علم فرهنگى دار الحديث.
۱۷. غفرانی، محمد. (۱۳۸۸). *قاموس عصرى فى المصطلحات الحديثه (فرهنگ نامه معاصر)*. تهران: امیرکبیر.
۱۸. فتال نیشابوری، محمد. (۱۳۶۶). *روضه الواعظین و بصیره المتعلمین*. تهران: نشر نی.
۱۹. فعالی، محمد تقی. (۱۳۸۹). *درسنامه اسرار حج*. تهران: موسسه فرهنگی هنری مشعر.
۲۰. کوفی، علی. (۱۳۷۳). *الاستغاثه فى بدع الثلاثه*. تهران: مؤسسه الاعلمی.
۲۱. کربلایی، محسن. (۱۳۹۶). *زن و بازیابی هویت حقیقی*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۲۲. محلاتی، ذبیح الله. (بی تا). *ریاحین الشریعه در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه*. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۲۳. مجلسی، محمد باقر. (۱۳۶۳). *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام*. تهران: اسلامیه.
۲۴. مجلسی، محمد باقر. (۱۳۸۰). *جلال العیون*. قم: سرور.



۲۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: صدرا.
۲۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۴). *آزادی بندگی، هدف زندگی*. تهران: بینش مطهر.
۲۷. نفیسی، علی اکبر. (بی تا). *فرهنگ نفیسی*. تهران: خیام.
۲۸. یعقوبی، احمد بن اسحاق. (۱۳۷۱). *ترجمه تاریخ یعقوبی*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۹. یوسفی غروی، محمدهادی. (۱۳۸۳). *تاریخ تحقیقی اسلام*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۰. داداشی، مهدی. لزگی، علی نقی. خطیب، سیدمهدی. (۱۴۰۳). مدل مفهومی تاب آوری دینی براساس آموزه های اسلامی: نظریه داده بنیاد. *دوفصلنامه علمی روانشناسی فرهنگی*. (شماره ۱)، ص ۲۶-۴۸.
۳۱. رضایی هفتادر، حسن. راجی، مرضیه. شهیدی، روح الله. (۱۴۰۲). بررسی شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام از دیدگاه مستشرقان. *دوفصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان (قرآن و مستشرقان)*. دوره ۱۸ (شماره ۳۴)، ص ۱۷۱-۱۹۸.
۳۲. محدث اردبیلی، ابوالفضل. سلطان زاده، سپیده. (۱۳۹۹). *تاب آوری تعاریف نظریه ها و کاربرست ها (یک مرور نظام مند)*. *فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی*. دوره جدید (شماره ۲۸)، ص ۳۵۳-۳۷۶.